

هم نوعان: افرادی که از یک نوع هستند.

خدا کار: کسی که جان خود را فدا می کند

اشتغال: جایی را به زور گرفتن

افتخار آفرین: کاری که باعث سربلندی می شود

جاودانه: همیشه و جاوید، چیزی که تا ابد بماند

اشتیاق: شوق و علاقه

امتیاز: سربلندی

جنب تحمیلی: جنگی است که در آن حکومت صدام از کشور عراق، به مدت هشت

سال، زمین عزیزان، ایران را مورد حمله قرار داد

نارنج: نوعی لب لب دستی

طفل: کودک

پیشروی: به جلو رفتن

ریزش: فروریختن

دلیرانه: شجاعانه

فانوس: نوعی چراغ نفت سوز

چوب دستی: عصا





واقعہ: اتفاق

حقی: قطعی

شریف: دارای ارزش و اعتبار

دھقان: کشاورز

بی ادعا: کسی نہ ادعائی ندارد

طہارات: شادابی

پای لوی: شادی کردن

ناروان: لولہ ای نہ آب پشت بام از داخل آن پائیں

ناروان: لولہ ای نہ آب پشت بام از داخل آن پائیں می آید